



دوره انتظار خرید مسکن از ۱۰۰ سال هم گذشت.



حمله به چادر خبرنگاران، ویرانی بیمارستان شفا، بی توجهی به قطعنامه شورای امنیت و احتمال وقوع یک کشتار دیگر در رفح، اعتراض‌های فراوانی به عملکرد اسرائیل در این جنگ وارد کرده است. آمریکایی‌ها در جریان جنگ غزه، تحت فشار افکار عمومی بین‌المللی و داخلی هستند. کارشناسان معتقدند که آمریکایی‌ها به خاطر شریک شدن در کشتار اسرائیل در غزه و حمایت‌های بی‌اندازه‌ای که طی ۱۸۰ روز گذشته از تل‌آویو داشتند، به دنبال پایان دادن به این جنگ و خروج از این وضعیت هستند. مسئله اسرائیل در سیاست خارجی و داخلی آمریکا اهمیت بسیار بالایی دارد. کارشناسان معتقدند که عملکرد اسرائیل باعث وقوع این حد از انتقادات در میان مقامات آمریکایی شده است. کشته شدن امدادگران یکی از آخرین وقایع تلخ فلسطین است که مورد توجه دولت آمریکا قرار گرفته است. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا مطرح کرده است که این کشور در حال بررسی تحقیقات اسرائیل در مورد حمله و کشته شدن امدادگران است. جان کری، سخنگوی کاخ سفید نیز سه روز قبل مطرح کرد که مدرکی دل‌بر عمدی بودن این حمله وجود ندارد.

ضرورت آتش‌بس در غزه تاکید داشته و از نتانیاهو خواسته است که اختیاراتی به نمایندگان اسرائیل در مذاکرات داده شود تا توافق برای بازگشت گروگان‌ها به خانه منعقد شود. رئیس‌جمهور آمریکا بر حمایت از اسرائیل در برابر تهدیدات ایران تاکید کرده است.

تشی میان دو متحد

روابط آمریکا و اسرائیل طی ۶ ماه گذشته همواره با چالش‌هایی همراه بوده است. چند روز قبل برای اولین بار، قطعنامه آتش‌بس در غزه که به پیشنهاد اعضای غیردائم شورای امنیت سازمان ملل در این شورا مطرح شد، توسط آمریکا و نتانیاهو و به تصویب رسید. هرچند که این قطعنامه تغییری در روند جنگ ایجاد نکرده است. البته این چالش‌ها مانع از کمک‌های ایالات متحده و ارسال تجهیزات و تسلیحات به اسرائیل نشده است. آمریکا از یک طرف محموله‌های اسلحه به اسرائیل می‌فرستد و از سوی دیگر کمک‌های انسانی از آسمان غزه برای فلسطینی‌ها می‌ریزد. قتل عام غیرنظامیان، خطر وقوع فحطی، حمله به کارمندان نهادهای بین‌المللی مثل «آشپزخانه مرکزی جهان»،

آمریکا دنبال بازسازی حیثیت از دست‌رفته است

وزیر خارجه آمریکا به منطقه نیز نشان دهنده این است که حاکمیت این کشور به دلایلی که گفتیم، سعی در پایان دادن به این وضعیت دارد. در حالی که بایدن نسبت به سفر نتانیاهو به آمریکا و رایزنی‌های او اظهار بی‌میلی کرده، رئیس مجلس نمایندگان اعلام کرده که نخست‌وزیر اسرائیل را دعوت خواهد کرد. کنار هم گذاشتن این موارد نشان می‌دهد که اختلافاتی در هیئت حاکمه آمریکا نسبت به نتانیاهو و رفتار اسرائیل وجود دارد اما بایدن سعی می‌کند این پیام را به نتانیاهو بدهد که وضعیت فعلی و عبور از خط قرمزها را تمام کند. این تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه با اشاره به تنش میان تل‌آویو و واشنگتن افزود: «آمریکا در عمل به حمایت‌های تسلیحاتی، اطلاعاتی و مالی از اسرائیل ادامه می‌دهد اما به نظر می‌رسد که بایدن معتقد است به این وضعیت نمی‌توان ادامه داد. نتانیاهو وزیر بار نمی‌رود چرا که می‌داند حماس آتش‌بس دائمی می‌خواهد. نخست‌وزیر اسرائیل می‌خواهد در نهایت به چند روز آتش‌بس موقت تن بدهد تا کمک‌های انسانی به غزه برسد سپس به جنگ و بمباران ادامه دهد اما آمریکا آتش‌بس موقت نمی‌خواهد و به دنبال پایان دادن به این تنش است.»

ساداتیان ادامه داد: «از سوی دیگر حمله به کنسولگری ایران و واکنش احتمالی تهران هم به تمام این معادلات اضافه شده است. برخی معتقدند که این حمله به فشار آمریکا بر اسرائیل منتهی شده و آمریکایی‌ها برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش جنگ تل‌آویو را به آتش‌بس مجبور می‌کنند. چرا که حمله مستقیم اسرائیل به ایران عبور از خط قرمز است. اسرائیلی‌ها این تحلیل را دارند که ایران واکنشی به این حمله نشان نمی‌دهد و آن‌ها، ضعف تهران را به جهان نشان داده‌اند. از طرف دیگر ایران به آمریکا پیام داده است که شما به ما می‌گویید وضعیت را کنترل کنید و وارد تنش نشوید اما خودتان شاهد هستید که اسرائیلی‌ها خط قرمز را رد کردند. همه این تکه‌های پازل را کنار هم قرار بدهیم، به این نتیجه می‌رسیم که آمریکا با اقدامات نتانیاهو موافق نیست و این گفت‌وگوی چالشی در همین قالب اتفاق افتاده است. روندی که مشاهده می‌شود، این تحلیل را متبادر می‌کند که احتمالاً بایدن نتانیاهو را با اهرم تهدید به قطع حمایت‌ها تحت فشار گذاشته باشد.»

سفیر پیشین ایران در لندن درباره وضعیت داخلی اسرائیل گفت: نتانیاهو از درون اسرائیل نیز بسیار تحت فشار و در معرض اعتراضات و انتقادات است. انتخابات زودهنگام در سرزمین‌های اشغالی برگزار خواهد شد و معنای آن از دست رفتن اعتبارات نتانیاهو است که به جز جنایت و برانگیختن احساسات بین‌المللی علیه اسرائیل، دستاوردی نداشته است. در حال حاضر تنها تندروترین عناصر اسرائیل از نتانیاهو حمایت می‌کنند و بدنه آن جامعه از او روی گردان شدند. به همین دلیل احتمالاً نتانیاهو انتخابات را از دست خواهد داد.»

سیدجلال ساداتیان، سفیر پیشین ایران در انگلستان درباره تنش‌ها میان بایدن و نتانیاهو گفت: «ایالات متحده آمریکا امنیت اسرائیل را جزء جدی‌ترین دستورالعمل سیاست خارجی خود می‌داند و دولت‌های مختلف این کشور نیز تعهد خود را به این مسئله نشان داده‌اند. اما در وضعیت کنونی، آنچه در منطقه اتفاق افتاده مقداری شرایط را متفاوت کرده است. چنین تنش‌هایی بین نتانیاهو و رئیس‌جمهور آمریکا پیش از این در دوران اوباما نیز اتفاق افتاد اما تا حد بالا نگرفته بود. آنچه امروز در منطقه جریان دارد و جنایت‌هایی که نتانیاهو و کابینه جنگی او انجام داده‌اند، حیثیت آمریکا را به عنوان مدعی مدافع حقوق بشر در دنیا از بین برده است. از طرف دیگر، بایدن به خاطر انتقادات پیش‌رو به حمایت لابی اسرائیل در آمریکا احتیاج دارد و باید به حمایت‌های خود از تل‌آویو ادامه دهد. اما ماجرای جنگ غزه از حد گذشته است. آمریکا پیش از این چند قطعنامه آتش‌بس فوری را وتو کرد اما به آخرین قطعنامه شورا رای مثبت داد. این رای در حالی بود که اسرائیل به واشنگتن تذکر داده بود که این کار را نکنند. اسرائیل به این قطعنامه اعتنا نکرد و اعلام کرد که کار خود را ادامه می‌دهد. این کار به چه معناست؟ بمباران مردم پناه‌گرفته در رفح و کوچ اجباری آنان به مصر. مصر هم دروازه‌های خود را بسته و اجازه ورود نمی‌دهد. نتانیاهو دنبال این است که غزه را خالی از سکنه کند.» او اضافه کرد: «با توجه به این تحولات، به درستی انتقادات فراوانی نسبت به رفتار آمریکا در قبال این جنگ از سوی افکار عمومی جهان مطرح شده است. از سوی دیگر دادگاه لاهه آن حکم را صادر و اسرائیل را به نسل‌کشی متهم کرد. تظاهرات‌های ضداسرائیلی در نقاط مختلف جهان در اعتراض به آنچه در غزه اتفاق می‌افتد، برگزار می‌شود. در داخل سرزمین‌های اشغالی نیز اعتراضات نسبت به نتانیاهو و جنگ غزه صورت گرفته و ادامه دارد.»

ساداتیان با اشاره به بالا رفتن میزان انتقادات از اسرائیل در آمریکا، گفت: «در آمریکا برخی سیاستمداران به‌طور چشم‌پوشسته از اقدامات اسرائیل حمایت می‌کنند اما مجموعه حاکمیت در این کشور به طرفی رفته که خواهان پایان این وضعیت است. آنان معتقدند که حیثیت آمریکا به خاطر آنچه در غزه اتفاق افتاده، بر باد رفته است. به همین دلیل شاهد این هستیم که برای اولین بار در تاریخ روابط آمریکا و اسرائیل، انتقادهایی علنی از سوی مقامات آمریکایی مطرح شده است. چند روز پیش جاک شوهر، سناتور دموکرات آمریکایی و رهبر اکثریت سنا در اظهارنظری بی‌سابقه نتانیاهو را متهم کرد که به فکر اسرائیل نیست و دنبال منافع و نجات خود است. این سیاستمدار آمریکایی همچنین تاکید کرد که باید آتش‌بس و تبادل آسرا اتفاق بیفتد و کمک‌های بشردوستانه به غزه برسد. سفرهای متعدد بلینکن

روز جهانی سلامت: نگاهی به گذشته و چشم‌انداز آینده

به بهانه هفتم آوریل روز لازم‌الاجرا شدن سند موسس سازمان جهانی سلامت

سلامت و بهبود سطح آموزش پزشکی از جمله فعالیت‌های این سازمان محسوب می‌شوند. سازمان جهانی سلامت در طول هفتادوشش سال فعالیت به دستاوردهای قابل توجهی نائل آمده که کاهش انتقال مالاریا، امحای آبله، مقابله با بیماری‌های گرمسیری، مقرون به‌صرفه ساختن داروی هیپاتیت C و کنترل تب زرد نمونه‌های شاخص آن محسوب می‌شوند. همچنین، کاهش قابل توجه آمار مرگ و میر ناشی از همه‌گیری‌ها - اعم از جهانی و منطقه‌ای - فارغ از پیشرفت علم پزشکی مرهون وجود نهادهای است که در مقام هماهنگ‌کننده، اشتراک‌گذاری چنین پیشرفتی را میان کشورها تسهیل نموده است. با این وصف، این سازمان در آینده نزدیک رویاروی مسائلی چند خواهد بود. اثرپذیری سلامت روان از مخاصمات مسلحانه در حال گسترش در اقصی نقاط جهان، ضرورت بازاندیشی در اخلاق پزشکی به واسطه ظهور فناوری‌های نوین، کاهش جهانی تعداد متصدیان خدمات درمانی، نابرابری در دسترسی به واکسن و نقش تغییر اقلیم در گسترش بیماری‌های مسری از مصادیق این مسائل محسوب می‌شوند. با توجه به این مهم که این مسائل جنبه درمانی صرف نداشته و حل آنها مستلزم ایفای نقشی تعیین‌کننده از سوی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی دیگر خواهد بود، ممکن است ظرفیت‌کنشگری محدود سازمان جهانی سلامت همچون گذشته به تحقق اهداف مدنظر منجر نشود. هفتم آوریل، روز لازم‌الاجرا شدن سند مؤسس سازمان جهانی سلامت است که به «روز جهانی سلامت» شناخته می‌شود. این سازمان در پیامی به مناسبت این روز، موضوع سال ۲۰۲۴ را «سلامتی حق من است» (My Health, My Right) معرفی نمود و اذعان داشت که حق بر سلامت میلیون‌ها انسان در سراسر جهان از رهگذر مخاصمات مسلحانه و بحران‌های زیست‌محیطی در معرض تهدید قرار گرفته و در حالی که حداقل ۱۴۰ کشور این حق بشری را ذیل قوانین اساسی خود به رسمیت شناخته‌اند، حداقل ۴/۵ میلیارد نفر (نیمی از جمعیت زمین) در جهان از دسترسی به خدمات درمانی کامل محروم هستند. با توجه به موفقیت نسبی در گذشته و چالش‌های پیش‌رو، آیا این سازمان خواهد توانست در پرتو ظرفیت‌های خود بر این چالش‌ها فائق آید؟ زمان به این سوال پاسخ خواهد داد.

آرش ملکی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی

سلامتی - در مفهوم تندرستی جسمانی، روانی و اجتماعی انسان - کلیدواژه‌ای است که به واسطه اهمیت ذاتی خود هرگز مدار توجه انسان را ترک نمی‌کند. در نتیجه، حفظ آن در زمره اولویت‌های دائمی نوع بشر تعریف شده و هر اقدامی همگام با این اولویت معقول و پسندیده خواهد بود. تأمین سلامت شهروندان، از وظایف عرفی دولت است و به قوانین اساسی آنها راه یافته. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذیل اصول سوم (بند ۱۲)، بیست‌ویکم (بندهای ۲ و ۴)، بیست‌ونهم و چهل‌وسوم (بند ۱) تکالیف دولت در قبال سلامت شهروندان را تعیین می‌کند. در عرصه بین‌المللی نیز وجود یک نهاد جهانی که هدف آن «دسترسی همگان به عالی‌ترین سطح از سلامتی» باشد، از جهانی بسیار مطلوب شمرده می‌شود. مورخ ۲۲ جولای ۱۹۴۶، نمایندگان ۵۹ دولت (از جمله ایران) در شهر نیویورک گرد آمدند تا ذیل یک معاهده بین‌المللی، سند مؤسس چنین نهادی را امضا نمایند. این نهاد، سازمان جهانی سلامت (World Health Organization) نام دارد که در حال حاضر ۱۹۳ دولت را به عضویت پذیرفته است. مجمع جهانی سلامت، هیئت اجرایی و دبیرخانه ارکان فرعی این سازمان را تشکیل می‌دهند. ریاست دبیرخانه بر عهده یک مدیرکل (Director-General) است که توسط هیئت اجرایی معرفی و با رای اعضای مجمع جهانی سلامت انتخاب می‌شود. در حال حاضر، تدریس آدهانوم قبریسوس از ایتوبی به‌عنوان نهمین مدیرکل در این سازمان خدمت می‌کند. دفتر مرکزی سازمان جهانی سلامت در ژنو (سوئیس) واقع شده و علاوه بر آن از شش شعبه منطقه‌ای و دفاتر علی حده در ۱۵۰ کشور جهان برخوردار است. مطابق ماده ۲ از سند مؤسس، هماهنگی امور بهداشتی بین‌المللی، کمک به دولت‌ها به منظور بهبود خدمات درمانی، پیشرفت در مسیر ریشه‌کنی بیماری‌ها، ارتقا و هدایت پژوهش‌های مرتبط با

صورت آشکار منافع مردم مسلمان بلوچ را هدف قرار می‌دهد. یکی از این پروژه‌ها طرح آمایش سرزمینی و اسکان هفت میلیون شهروند غیربلوچ با مذهب شیعه در شهرهای ساحلی بلوچستان است که مطابق تصریحات مجریان این طرح، هدف از اجرای آن «ایجاد تمدن جدید علوی» است. مجریان این طرح در نظر دارند شبه‌نظامیان فرقه‌گرای شیعه از جمله فاطمیون و زینیون را در شهرهای ساحلی بلوچستان اسکان دهند که این امر به صورت آشکار، آینده بسیار تاریکی برای مردم مسلمان بلوچ و تمام شهروندان ایران است. «دولت پاکستان بلافاصله با صدور بیانیه‌ای حملات تروریستی جیش العدل را به راسک و چابهار محکوم کرده و محمدمدثر تیپو، سفیر پاکستان اعلام کرد: «ما در همبستگی کامل با کشور همسایه و برادرمان ایران در مبارزه با تروریسم و حفاظت از منافع آن ایستاده‌ایم. تروریسم را باید مهار کرد.»

احمد وحیدی، وزیر کشور از دادن تذکر کنترل مرزها به پاکستان خبر داده و گفت: «حادثه تروریستی در راسک و چابهار توسط بیگانگان اداره می‌شود و تروریست‌ها تو دهنی بسیار محکمی خوردند. قبلاً از پاکستان خواسته شده مرزها را کنترل کند، چون این‌ها (تروریست‌ها) از آن طرف مرزها می‌آیند، باید مرزها را بیشتر کنترل کنند تا نتوانند به راحتی اقداماتی کنند و این تذکرات داده شده و خواهد شد.»

که با درایت، حوصله و هوشمندی نیروهای مدافع امنیت مواجه شدند. پس از اطمینان نسبت به دورسازی مردم از خطر مهاجمان و هرگونه آسیب، رزمندگان غیور قرارگاه امنیتی جنوب شرق نیروی زمینی سپاه با مشارکت نیروهای فرماندهی انتظامی با آنان درگیر و طی عملیاتی قاطعانه کلیه تروریست‌ها و اشراک مسلح به هلاکت رسیدند و امنیت و آرامش کامل در مناطق درگیری برقرار شد. در این عملیات ۱۸ تن از تروریست‌ها و اشراک مسلح مهاجم به هلاکت رسیدند و ۱۰ تن از نیروهای حافظ امنیت نیز به فیض رفیع شهادت نائل آمده و تعدادی دیگر نیز مجروح شدند. به دشمنان منطقه‌ای و فرماندهی‌های گروهک‌های تروریستی و اشراک مسلح اجیرشده توسط سرویس‌های جاسوسی آنان هشدار می‌دهیم امنیت ملی و آرامش مردم در هر نقطه از ایران عزیز خط قرمز محافظان امنیت در جای جای میهن اسلامی بوده و با هرگونه عامل و عنصر تهدیدگر این عرصه، قاطعانه برخورد خواهد شد.»

واکنش دولت پاکستان

گروهک جیش‌العدل در بیانیه‌ای علت و هدف این حملات تروریستی را ناکام گذاشتن پروژه و طرح توسعه سواحل مکران دانسته و اعلام کرد: «این پروژه‌هایی که در حال اجرا است، به